

بررسی توصیفی ادله قوامیت مردان بر زنان در زندگی خانوادگی در فقه شیعه

نویسنده: زهرا اسدی قلعه نی

استاد: مجتبی عفتی^۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

چکیده

خانواده ابتدایی ترین اجتماع و سنگ بنای جوامع بزرگ انسانی است. از این رو کیفیت رابطه اعضای خانواده نقش کلیدی در سعادت و شقاوت جامعه خواهد داشت. و از آنجا که هر گروه هدفمند برای جلوگیری از تشتت و از هم گسیختگی نیاز به مدیری دارد، بی گمان نهاد خانواده با مسئولیت مهمی که بر عهده دارد از این قاعده مستثناء نیست و نیاز به مدیر در خانواده هم وجود دارد در این تحقیق ما با روش توصیفی به ادله قوامیت و مدیریت مرد در خانواده اشاره کرده و نشان می دهیم از نگاه فقه شیعه مرد مدیر خانواده است

واژگان کلیدی: قوامیت - فقه شیعه - قوامیت مرد - زن - زندگی خانوادگی

مقدمه

خانواده ابتدایی ترین اجتماع و اصل ترین نهاد جامعه بشری و سنگ بنای جوامع بزرگ انسانی است. از این رو کیفیت رابطه اعضای خانواده نقش کلیدی در سعادت و شقاوت جامعه خواهد داشت. از آنجا که هر گروه هدفمندی برای جلوگیری از تشتت و از هم گسیختگی نیاز به مدیری دارد و لایق دارد، بی گمان نهاد خانواده با مسئولیت مهمی که بر عهده دارد از این قاعده مستثناء نیست و زوجین که تشکیل دهندگان اولیه این اجتماع کوچک اند، بیشترین وظیفه را بر عهده دارند. وقتی برای نهادهای مالی و صنعتی کوچک، که به مراتب از درجه اهمیت کم تر و

پایین‌تری نسبت به نهاد خانواده برخوردارند، مدیرانی گماشته می‌شوند که علاوه بر استعدادهاي ذاتي و مدیریت و سرپرستی، تخصص علمي و سابقه عملي در رشته مربوطه را دارند، رعایت این مهم در نهاد خانواده که به تولید و رشد انسان می‌پردازد سزاوارتر است. خانواده مانند هر گروه و اجتماع دیگری، برای ادامه مسیر و رسیدن به اهداف خود، نیازمند مدیر و رهبری است که بتواند وحدت رأی و انسجام این اجتماع کوچک و بسیار مهم و اساسی را حفظ و مسئولیت آن را بپذیرد. بدیهی است هیچ اجتماعی با پراکندگی آراء و وجود اختلاف نظرهای فراوان، بدون داشتن راهبر به سر منزل نخواهد رسید، خانواده نیز از این امر مستثنا نیست. قرآن کریم به عنوان نسخه نجات و کمال بشر، به زیبایی بایدها و نبایدهای اساسی سیر به سوی کمال را پیش بینی و برای آنها برنامه ارائه کرده است. در این موضوع نیز خداوند با توجه به اهمیت و حساسیت امر خانواده به عنوان هسته اجتماع بشری، راهکارهای اصولی را ارائه داده و فقه شیعه برگرفته از مکتب اهل بیت (ع) به تبیین آن پرداخته است. نجات و حفظ بنیان مقدس خانواده در دوران معاصر، نیازمند آشنایی به تعالیم و حیانی و آموزه های مکتب اهل بیت است که در این نوشتار به روش توصیفی به آن خواهیم پرداخت که مردان در خانواده بر زنان قوامیت دارند

معنای واژه قوامیت

از آنجا که تبیین این واژه در این نوشتار اهمیت زیادی دارد و ریشه هر برداشتی از آیه شریفه به این واژه بازمی‌گردد، ابتدا به بررسی معنای لغوی آن نزد اهل لغت و سپس به بررسی معنای اصطلاحی آن از دیدگاه های مختلف خواهیم پرداخت.

معنای لغوی "قوام"

کلمه ي "قَوّام" از ریشه ي "قوم" صیغه مبالغه و جمع لفظ "قائم" می باشد. ابن منظور واژه قَوّام را به معنای محافظت و اصلاح می داند (ابن منظور، چاپ اول) راغب اصفهانی در مفردات

می گوید، نام چیزی است که سبب ثبات چیز دیگری شود، مانند عماد و سناد که نام وسیله پایداری و استحکام اند (راغب، چاپ اول، ص ۴۱۷)

ابن فارس از لغویان متقدم که در معجم مقاییس اللغة ریشه یابی دقیق کلمات را بیان می کند می نویسد:

«قاف»، «واو» «میم» دو ریشه معنایی دارد یکی به معنای جماعتی از مردم و دیگری به معنای انتصاب یا عزم. برای معنای دوم مثال می زند به «قام بهذا الأمر» یعنی عهده دار این کار شد. (ابن فارس، چاپ اول، ج ۵ ص ۳۴)

در مجمع البحرین آمده است:

«الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛

یعنی به عهده مردان است که به قیمومیت و سرپرستی و تدبیر امور زنان قیام کنند.» (طریحی، چاپ سوم)

اقرب الموارد قوام را به معنای قوی علی القیام بالأمر (توان برپاداشتن امری) آورده است که جمع آن واژه "قوامون" است (شرتونی، ج ۲، ص ۱۰۵۴).

لسان العرب قیام را به ایستادن (ضدنشستن) معنا می کند و متذکر می شود که مشتقات قیام در معانی مختلفی به کاررفته است؛ مانند وقوف و ثبات، ادامه دادن (مانند آیه «یقیمون الصلاة»)، تعدیل و تساوی در امور، رعایت عدالت (مانند آیه «وکان بین ذلک قواما»). خوش اندام (رجل قویم و قوام)، خوش رفتاری، نظام و شالوده چیزی (قوام الامور) و در آیه «الرجال قوامون على النساء» آن را به معنی محافظت و اصلاح می داند

۱. معنای اصطلاحی "قوام"

معنای اصطلاحی "قوام" را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی همچون تفسیری، فقهی و سایر اندیشمندان مورد بررسی قرار داد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

- معنای اصطلاحی قوام از دیدگاه مفسران:

در تفسیر کبیر آمده است:

"القوام؛ اسم لمن یكون مبالغا فی القيام بالأمر، يقال: هذا قیم المرأة و قوامها للذی يقوم بأمرها و یهتم بحفظها؛

"قوام" اسم است برای کسی که اقدامش نسبت به یک امر، پرتکرار است. به کسی که عهده دار امور زن است و اهتمام در حفظ و سرپرستی امور او دارد گفته می‌شود این (مرد) قیم و قوام زن است" (فخر زاری، ج ۱۰ ص ۷۰)

در دیگر تفاسیر نیز معانی مختلف و گاه نزدیک به هم بیان شده که برخی عبارتند از:

طبرسی در مجمع البیان:

«مردان سرپرست و در تدبیر زندگی و تربیت و تعلیم مسلط بر زنان هستند.»

(طبرسی، چاپ اول، ج ۵ ص ۱۳۵)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان:

«کلمه (قیم) به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است، و

کلمه (قوام) و نیز (قیام) مبالغه در همین قیام است» (طباطبایی، ج ۴ ص ۵۴۳)

کاشانی در منهج الصادقین معنای قوام را قائم به امور در امور معاش همانند قیام حاکمان بر رعیت می‌دانند (کاشانی، چاپ اول)

طبرسی قوام را به معنای سرپرست و در تدبیر زندگی و تربیت و تعلیم مسلط

بر زنان (طبرسی، ج ۵ ص ۱۳۵)

و تفسیر جوامع الجامع سرپرست و خدمتگذار ترجمه کرده است. (طبرسی

، چاپ اول، ج ۱ ص ۵۹۱)

زمخشری از مفسرین اهل سنت در الکشاف در ترجمه قوام آورده:
«آمرین ناهین، كما يقوم الولاية على الرايا» یعنی: امر و نهی کننده همانند
امر و نهی حاکمان بر رعیت. (زمخشری، چاپ سوم)

۲. معنای اصطلاحی قوام از دیدگاه فقها

در کتاب های فقهی ماهیت قوامیت با واژه هایی مانند سلطنت، ولایت، سیاست و تدبیر همچون تدبیر والیان نسبت به مردم، تبیین شده است.
در فقه شیعه منظور از ریاست، تصمیم گیری نهائی در امور خانواده و مراعات مصالح آن است مانند انتخاب محل سکونت، انتخاب شغل زن و نظایر آن که از اختیارات شوهر هستند که برخی را قانون نیز مشخص کرده و مواردی را که قانون مشخص نکرده مطابق عرف و عادت و رویه عقلانی مشخص و اعمال می شود. (محقق داماد، ص ۲۸۸)
شیخ طوسی در المبسوط می گوید:
«القوام على الغير هو المتكفل بأمره من نفقة و كسوة و غیر ذل؛
قوام بر دیگری کسی است که عهده دار امور او است از جمله مخارج زندگی، پوشاک، و غیر آن.
(طوسی ابوجعفر، چاپ سوم، ج ۶ ص ۲)
شیخ در جای دیگری از مبسوط در معنای آیه الرجال قوامون على النساء می فرمایند:
«أنهم قوامون بحقوق النساء التي لهن على الأزواج؛
یعنی مردان عهده دار حقوقی از زنان هستند که با ازدواج بر عهده شان آمده است.» (طوسی ابوجعفر، چاپ سوم، ج ۴ ص ۳۲۴)
فخرالمحققین در ایضاح الفوائد معنی قوام را اولی به امور زن می داند؛
معنی القوام على الشخص الذي هو أولى بأمره. (فخرالمحققین، چاپ اول)

معنای اصطلاحی قوام از دیدگاه اندیشمندان:

علامه محمدتقی جعفری چهار فرض برای سرپرستی خانواده بیان می نماید. زن و مرد هر دو سرپرستی را بر عهده گیرند؛ سرپرستی خانواده به عهده زن باشد؛ حالت پدرسالاری و چهارم: نظام شورایی برای اداره خانواده با سرپرستی و مأموریت اجرایی مرد. ایشان در این ارتباط چنین گفته است:

«این حالت (چهارم) برای اداره منطقی خانواده، شرط لازم و فوق العاده با اهمیت است؛ حتی در خانواده هایی که فرزندان آنان نیز رشد یافته و از معلومات و تجارب مفید برخوردار شده اند؛ به شرط آن که طرفین شورا با کمال تقوا و عدالت و بی طرفی رفتار کنند و از تمایلات شخصی در اداره خانواده دست بردارند. مسلم است که کارآیی تصمیم های اخذ شده در شورا در نتیجه گیری محض خلاصه نمی شود، بلکه بایستی این نتیجه به مرحله اجرا در آید. این عامل اجرا در ایدئولوژی اسلام، مرد معتدل است که با کلمه سرپرست مسئول که معنی (قوام) است، تعبیر شده است.» (جعفری محمدتقی، ص ۲۶۷)

در نظری مشابه آیت الله جوادی آملی قوامیت را مسئولیت اجرایی و محدود به حوزه خانواده می داند (جوادی آملی، چاپ دوم، ص ۳۹۱) در سویی دیگر آیت الله مصباح که اسلام را مدافع جدی نظام پدر سرپرستی قلمداد می نماید پدر را در خانواده پدرسالار نان آور، مدیر و فرد مقتدر خانواده و مادر را مسئول گرم نگاهداشتن کانون خانوادگی می داند. آیت الله محمد حسین فضل الله قوامیت را سازماندهی و مدیریت خانواده معنا می نماید. در نظر ایشان ویژگی های جسمی و روحی مرد و مسئولیت او در تأمین هزینه همسر سبب شده است که این ولایت از آن مرد باشد. (دهقان مجید، ش ۳۸)

۱-۲-۴- جمع‌بندی معانی لغوی و اصطلاحی:

با ذکر چند نکته به جمع‌بندی مطالب مذکور در معنای لغوی و اصطلاحی "قوام" اشاره می‌کنیم:

نکته اول: با توجه به وجه مشترک بین معانی لغوی و محوریّت کلام ابن فارس متوفای ۳۱۵ هـ از لغویان متقدم و نزدیک عصر نص، که اهتمام به ریشه‌یابی و تبیین معنای اصلی لغات دارد می‌توان گفت: قوامیت مردان بر زنان، نوعی انتصاب و واگذار کردن مسؤولیت به مرد است. طبیعتاً هر منصب یا مسؤولیتی در ارتباط بین انسانها دو طرف دارد که عنوان مسؤول یک طرف را از حیث اعتبار مورد نظر بالاتر از سایرین قرار می‌دهد.

نکته دوم: سایر جزئیاتی که در کلام عالمان لغت و اصطلاحات تفسیری و فقهی اشاره شد مانند محافظت، اصلاح و سرپرستی از توابع و آثار خانوادگی و اجتماعی همین اعتبار و منصب برای مرد است.

نکته سوم: قوامیت فرع بر دو نکته مذکور در آیه است:

الف: "بما فضل الله بعضهم على بعض" برتری مردان بر زنان

ب: "و بما أنفقوا" پرداخت هزینه معاش زنان.

لذا در آیه، قوامیت تابع این دو نکته شمرده شده نه اینکه اصل قوامیت باشد و برتری و نفقه تابع آن باشند. پس منشأ قوامیت دو نکته است یکی امر تکوینی و دیگری اعتباری.

نکته چهارم: در تحلیل این واژه نباید از اولویت و سلطه‌ای که در معنای واژه قوام اشراک شده غافل شد لذا تشبیه و تقلیل جایگاه قوامیت مرد به صرف مدیریت اجرایی یک شورا صحیح نخواهد بود زیرا سرپرست یک شورا حق تصمیم‌گیری مستقل و جدای از نظر هیئت اُمناء یا اساس نامه شرکت ندارد، در حالی که مرد در بعض امور مستقلاً حق اِعمال نظر دارد مانند حق مسکن و حق تکثیر نسل.

با توجه به این نکات به این نتیجه می‌رسیم که بهترین تعبیر از واژه قوام، و بهترین معادل فارسی برای آن واژه سرپرست خواهد بود. البته در شریعت اسلام اگر چه به موجب تعلیمات اسلامی هر يك از زن و مرد حقوقی نسبت به یکدیگر دارند و هیچ يك اجازه تجاوز به حقوق دیگری را ندارد و نمی‌تواند از انجام وظایف و تکالیف خود خودداری نماید، یا از حدود اختیارات خویش تعدی کند؛ در عین حال برای حفظ نظام خانواده که خود يك جامعه کوچک است، رئیس و سرپرست معین گردیده.

دلایل قوامیت

محکم‌ترین سند قوامیت مردان بر زنان آیه ۳۴ سوره نساء است:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.»

خداوند مردان را بر زنان ریاست و سرپرستی داده است، به واسطه آن برتری که خدا بعضی‌شان را بر بعضی دیگر داده، و نیز به واسطه آن که مردان از مال خود نفقه می‌دهند.

قبل از بررسی این آیه و معانی و برداشت‌های مختلفی که از آن صورت گرفته، بیشتر مفسران شیعه معتقدند آیه ۳۴ سوره نساء بر برتری و سیطره نوع مردان بر زنان دلالت دارد. قرآن کریم در آیه شریفه «وَلِلرِّجَالِ عَلَى النِّسَاءِ دَرَجَةٌ» (بقره ۲۲۸) نیز به موضوع سرپرستی مردان بر زنان اشاره دارد.

در تفسیر المیزان آمده است: مردان قائم بر زنانند و علت این امر دو چیز است: یکی زیادت‌هایی است که خدای تعالی به مردان داده، به حسب طاقتی که بر اعمال دشوار و امثال آن دارند و دیگر به خاطر مهریه ای است که مردان به زنان می‌دهند، و نفقه ای که همواره به آنان می‌پردازند.

ایشان در ادامه تاکید می‌کنند: قیومیت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالك آن است بکند، و معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او، و دفاع از منافعش سلب کند، پس زن همچنان استقلال و

آزادی خود را دارد، هم می تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند، و هم می تواند از آن دفاع نماید و هم می تواند برای رسیدن به این هدف هایش به مقدماتی که او را به اهدافش می رساند، متوسل شود. بلکه معنای قیمومت مرد این است که مرد به خاطر اینکه هزینه زندگی زن را از مال خودش می پردازد تا از او استمتاع ببرد، پس بر او نیز لازم است در تمامی آنچه مربوط به استمتاع و همخوابگی مرد می شود او را اطاعت کند، و نیز ناموس او را در غیاب او حفظ کند، و وقتی غایب است مرد بیگانه را در بستر او راه ندهد، و آن بیگانه را از زیبایی های جسم خود که مخصوص شوهر است، تمتع ندهد و نیز در اموالی که شوهرش در طرف ازدواج و اشتراك در زندگی خانوادگی به دست او سپرده و او را مسلط بر آن ساخته، خیانت نکند. (طباطبایی محمد حسین، ج ۴ ص ۵۴۶)

مفسران دیگر نیز مانند شیخ طوسی در تفسیر تبیان (طوسی، ج ۳ ص ۱۸۹) و شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ج ۳ ص ۶۹) با استناد به همین آیه، به ریاست مرد بر زن قائلند. برخی نیز مانند آیت الله جوادی آملی، قوامیت مرد را نه از باب فضیلت، بلکه از باب وظیفه دانسته اند.

در اصول بنیادی تقرب و تکامل، بین زن و مرد فرقی نیست. برای مثال وقتی که زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو صنف مطرح است، هرگز مرد قوام و قیم زن نیست. (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)، مربوط به آنجایی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد... علاوه بر آنکه قوام بودن، نشانه کمال و تقرب الی الله نیست... این مدیریت، فخر معنوی نیست؛ بلکه یک کار اجرایی است. این چنین نیست که آن کس که رئیس یا مسئول و قیم و قوام شد، به خدا نزدیک تر باشد؛ بلکه آن فقط یک مسئولیت اجرایی است... و چون مسئول تأمین هزینه، مرد است، سرپرستی داخل منزل هم با مرد است؛ اما چنین نیست که از این سرپرستی بخواهد مزیتی هم به دست آورد و بگوید من چون سرپرستم، پس افضل هستم. روح قیوم و قوام بودن، وظیفه است و این چنین نیست که قرآن به زن بگوید تو تحت فرمان مرد هستی؛ بلکه به مرد می گوید تو سرپرستی زن و منزل را بر عهده بگیر.

ایشان در ادامه بحث می‌فرماید:

هرگز (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) نیامده است فتوای یک جانبه بدهد و به مرد بگوید تو فرمانروا هستی و هر چه می‌خواهی، بکن؛ چون اگر مرد از محل کار بیرون بیاید و به منزل نرود، قوام و فرمانروا و مدیر نیست. بنابراین اگر اسلام، این دو حکم الزامی را در کنار هم ذکر می‌کند، به زن دستور تمکین می‌دهد و به مرد دستور سرپرستی می‌دهد؛ تنها بیان وظیفه است و هیچ یک نه معیار فضیلت است نه موجب نقص. (جوادی املی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۷).

فخرالمحققین می‌گوید:

«ان کل زوج له علی زوجته تسلط و سبیل..... فلقوله تعالى الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»؛ هر مردی بر همسر خود سلطه و ریاست دارد، چون خداوند فرموده «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (فخرالمحققین، ج ۳، ص ۱۰۳)

محقق کرکی نیز به همین علت تبعیت زن از مرد را واجب می‌داند (محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹۹) در تفسیر شریف لاهیجی چنین آمده است:

بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بِسَبَبِ زِيَادَتِيْ كِه داده است خدای تعالی بَعْضَهُمْ بعضی ایشان را که مردانند علی بَعْضٍ بر بعضی دیگر که زنانند بقوت بدن و کمال عقل و حسن تدبیر و اختصاص نبوت و امامت و ولایت و اقامت شعائر اسلام و جهاد و زیادتى نصیب در میراث و این فضل موهبتی است وَ بِمَا أَنْفَقُوا و بسبب انفاق و بخششی که مردان بر زنان میکنند مِنْ أَمْوَالِهِمْ از مالهای خودشان و این فضل کسبی است (اشکوری، چاپ: اول، ۱۳۷۳ ه.ش، ج ۱، ص ۴۶۹)

استاد محمدتقی جعفری نیز برای اداره خانواده، چهار صورت را ارائه می‌کند: زن و مرد با هم سرپرستی را به عهده گیرند؛ سرپرستی خانواده به عهده زن باشد؛ حالت پدرسالاری؛ نظام شورایی برای اداره خانواده با سرپرستی و مأموریت اجرایی مرد. وی در ادامه با اشاره به حالت چهارم می‌گوید:

«این حالت برای اداره منطقی خانواده، شرط لازم و فوق العاده با اهمیت است، به شرط آنکه طرفین شورا، حتی در خانواده‌هایی که فرزندان آنان نیز رشد یافته و از معلومات و تجارب مفید

بررسی توصیفی ادله قوامیت مردان بر زنان در / ۱۳۳

برخوردار شده اند؛ اعضای شورا با کمال تقوا و عدالت و بی طرفی از تمایلات شخصی در اداره خانواده دست به کار شوند. مسلم است که کار اجرای تصمیم های اخذ شده در شورا، در نتیجه گیری محض خلاصه نمی شود؛ بلکه بایستی این نتیجه به مرحله اجرا در آید. این عامل اجرا در ایدئولوژی اسلام، مرد معتدل است که با کلمه سرپرست و مسئول که معنای "قوام" است؛ تعبیر شده است (جعفری محمد تقی، ص ۲۶۷)

نتیجه‌گیری

آن گونه که ملاحظه می‌شود، خانواده نیز مانند هر مجموعه هدفمند دیگری، برای برقراری نظم و رسیدن به اهداف مورد نظر، نیازمند مسئولی با کفایت و دارای حسن تدبیر است؛ زیرا ضعف در تدبیر امور و بی‌توجهی و بی‌کفایتی مسئول، موجب سقوط و نابودی آن مجموعه می‌شود. در جوامع انسانی، سازمانی که همه اعضای آن از نظر مسئولیت در یک رتبه باشند، دیده نمی‌شود. خانواده نیز به عنوان یک نهاد اجتماعی از این امر مستثنا نیست؛ بلکه از آن جهت که خانواده حریم امن انسان‌ها و محل ارتباط خاص عاطفی و اخلاقی و تربیتی است و مانند اجتماعات بزرگ انسانی، با مسائل مختلفی همچون اقتصاد، فرهنگ، نزاع و خصومت و... روبه‌رو است، ریاست‌پذیری آن نیز از اهمیت و ظرافت خاصی برخوردار است که دلایل شرعی آن نیز در آثار اندیشمندان شیعه مورد بررسی قرار گرفت.

منابع و ماخذ

۱. قران کریم
۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، چاپ اول، دارالاحیاء التراث العربی،
۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۶جلد، مکتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴
۵. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، ۶جلد، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ه.ش.
۶. شرتونی سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی (ره)
۷. لسان العرب
۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲۷جلد، فراهانی - ایران - تهران، چاپ ۱،
۱۰. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه المیزان،
۱۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، تفسیر خلاصه منهج الصادقین: مسمی به خلاصة المنهج، ۶جلد، اسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۳ه.ش
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۶جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۱، ۱۳۷۵ه.ش
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴جلد، دار الکتاب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۰۷ه.ق.
۱۴. مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده
۱۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، ۸ جلد، المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، تهران - ایران، سوم، ۱۳۸۷ه.ق،
۱۶. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ۱۳۸۷ه.ق.

۱۲۶ / دوفصلنامه پژوهش‌های فقهی - حقوقی، سال ۱، شماره ۱، (پاییز، زمستان ۱۴۰۰)

۱۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۱)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۶۷ و ۲۶۸
۱۸. جوادی آملی، عبدالله؛ زن در آینه جمال و جلال؛ چاپ ۲، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۶، ص ۳۹۱.
۱۹. دهقان مجید، دوماهنامه علمی فرهنگی و اجتماعی حوراء، شماره ۱۳۸۹/۳۸.
۲۰. التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
۲۱. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۳، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق
۲۲. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ۴ جلد، دفتر نشر داد - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۳ ه.ش